

مسافرت به کرمان و بلوچستان

عبدالحسین میرزا فرمانفرما

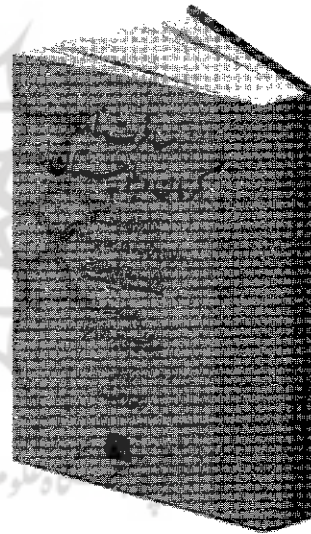
● عبدالودود سپاهی

این بوده است که حدود جنوب شرقی ایران را به وضعی که در زمان پادشاهان صفوی بوده است برگرداند.^۲ این خواسته فتحعلی شاه در مورد شرق ایران و بخشی از آن (بلوچستان) در دوره ناصرالدین شاه تا حدودی محقق شد، اما دخالت بیگانگان به ویژه انگلیسی‌ها در امور این ناحیه به خاطر حفظ هندوستان و از جانب دیگر نا آگاهی دولتمردان کشورمان در آن دوره، موجب شد که تلاش‌هایی برای شناسایی این نواحی آغاز شود. نتایج این مساعی، پدید آمدن گزارش‌ها، سفرنامه‌ها و رساله‌هایی در مورد اوضاع این مناطق بود. شماری از این گزارش‌ها در قالب کتاب و رساله منتشر شده است که برای تدوین تاریخ بلوچستان در دوره مورد نظر از بهترین منابع به شمار می‌روند.^۳ در نوشته حاضر «مسافرت نامه‌ای» مربوط به یکی از این مأموریت‌ها ضمن معرفی، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

معرفی مؤلف:

عبدالحسین میرزا فرمانفرما شرح یکی از سفرهای خود را به صورت سفرنامه‌ای تنظیم کرده است که پس از گذشت بیش از یک قرن به کوشش استاد ایرج افشار، انتشار یافته و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

کتاب مسافرت نامه کرمان و بلوچستان حاصل دور اول حکومت فرمانفرما بر کرمان و بلوچستان است. کتاب که گویا تنها یک نسخه از آن در دست است، به صورت نسخه خطی در کتابخانه ملی اتریش نگهداری می‌شود و به خط محمد رضا بن محمد بن علی مستوفی تفرشی در سال ۱۳۱۳ ق. در شهر کرمان کتابت شده است. پس از نسخه‌نویسی توسط کاتب، فرمانفرما نسخه را از آغاز تا انجام خوانده، اصلاحاتی در آن انجام داده و الحاقاتی بر آن افزوده است. نسخه به خط نستعلیق در ۴۲۳ صفحه نوشته شده است و دارای چهار نقشه بوده که همراه کتاب به چاپ رسیده است. حکومت کرمان و بلوچستان در دوره قاجار، با نام خاندان فرمانفرما همراه است، زیرا از این خانواده چهار نفر به این سمت دست یافته‌اند و در مجموع ۲۲ سال مقام



■ مسافرت نامه کرمان و بلوچستان

■ نویسنده: عبدالحسین میرزا فرمانفرما

■ به کوشش: ایرج افشار

■ ناشر: تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۵۲۷ص،

۶۲۰۰ تومان، شابک: ۳-۲۱۴-۳۳۱-۹۶۴

مقدمه:

تشکیل سلسله قاجار در ایران هم زمان بود با بروز آشفتگی‌هایی در شمال غرب ایران (قفقاز) و این مشکلات مانع از توجه قاجارها به مناطق شرقی ایران (بلوچستان و سیستان) در آغاز سلطنت آن‌ها گردید.^۱ اما این گرفتاری‌ها مانع از آن نشد که دولت از حق حاکمیت خود بر نواحی شرقی چشم‌پوشی کند، به گونه‌ای که فتحعلی شاه در برابر درخواست زمان شاه، حاکم افغان مبنی بر واگذاری خراسان به او، پاسخ داد: «عزم همایونی

کتاب مسافرت نامه کرمان
و بلوچستان حاصل دوره اول
حکومت عبدالحسین میرزا
فرمانفرما بر کرمان و بلوچستان و
از جمله ارزشمندترین منابع برای
تحقیق در مورد بلوچستان در
دوره قاجار است

از بین چهار نفر اعضای خاندان
فرمانفرما که به حکومت کرمان و
بلوچستان رسیده‌اند، تا کنون سه
سفرنامه به چاپ رسیده است:
«سفرنامه کرمان و بلوچستان»
نوشته فیروز میرزا، «از ماهان
تا چابهار» نوشته ناصرالدوله
و «مسافرت نامه کرمان و
بلوچستان» اثر عبدالحسین میرزا



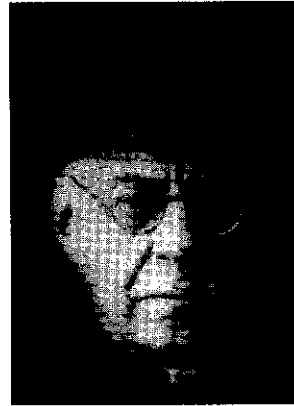
والیگری کرمان و بلوچستان را در دست داشته‌اند. فیروز میرزا فرمانفرما، پدر عبدالحسین میرزا، دو نوبت حکومت کرمان و بلوچستان را بر عهده داشته است. پس از عزل او در دور دوم، فرزندش عبدالحمید میرزا ناصرالدوله که او هم به لقب فرمانفرما ملقب شد، در طی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۹ ق. به عنوان حاکم کرمان و بلوچستان عهده‌دار امور این ولایت بود. پس از درگذشت ناصر الدوله، برادر او، عبدالحسین میرزا سالار لشکر که در این زمان در دستگاه مظفر الدین میرزا ولیعهد در تبریز خدمت می‌کرد، حکومت کرمان و بلوچستان را یافت و ملقب به فرمانفرما شد و در ذی الحجه ۱۳۰۹ وارد کرمان شد. گویا فرمانروایی بر این خطه همانند «اقطاع و تیول خاندان فرمانفرما، توسط پدرشان فیروز میرزا پایه گذاری شده بود»^۲ و در آن زمان تصور بر این بود که کرمان و بلوچستان «ملک موروث» آن‌ها است.^۳ از بین چهار نفر اعضای خاندان فرمانفرما که به حکومت کرمان و بلوچستان رسیده‌اند، تا کنون سه سفر نامه به چاپ رسیده است.^۴ در دوره اول حکومت عبدالحسین میرزا (۱۳۰۹-۱۳۱۱ ق.)، اوضاع کرمان و بلوچستان به ظاهر آرام بود و در این دوره، او در کرمان «در اصلاح امور مملکتی و دولتی به درجه‌ای اهتمام و مراقبت فرمود که قاطبه اهالی آن مملکت مسرور و خوشوقت (بودند).»^۵ اما مردم بلوچستان و حاکمان نواحی مختلف این ناحیه به خاطر بالا بودن میزان مالیات که خارج از توان آن‌ها بود، ناراضی بوده‌اند.^۶ بار دیگر عبدالحسین میرزا در سال ۱۳۱۲ ق. پس از عزل و احضار فتحعلی خان

صاحب دیوان، به عنوان والی کرمان و بلوچستان انتخاب شد. در این دوره از حکومت فرمانفرما وقایع مهمی در بلوچستان اتفاق افتاد که از جمله می‌توان از مهاجرت گسترده مردم بلوچستان ایران به بلوچستان تحت الحمايه انگلیس، عمان و زنگبار نام برد. در ربیع الاول ۱۳۲۴ ق.، عبدالحسین میرزا برای سومین بار به حکومت کرمان و بلوچستان منصوب شد تا اوضاع آشفته بلوچستان را سر و سامان دهد.^۷ دور سوم حکومت عبدالحسین میرزا چند ماهی بیشتر به طول نینجامید و نصرت الدوله فیروز فرزند او جایگزین پدر شد. و تا سال ۱۳۲۶ ق. والیگری کرمان و بلوچستان را در دست داشت.

یاد آوری این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که انتشار این مسافرت نامه که به همت استاد ایرج افشار به چاپ رسیده است، نخستین خدمت ایشان به تاریخ و جغرافیای بلوچستان نیست، بلکه ایشان در بیست و هشتمین جلد از نشریه فرهنگ ایران زمین نیز چهار رساله درباره بلوچستان به چاپ رسانده است.^۸

انگیزه مولف از سفر:

در سال‌های حکومت ناصر الدوله فرمانفرما (۱۳۰۹-۱۲۹۹ ق.) تحولات و وقایع مهمی در بلوچستان اتفاق افتاد. این دوره را می‌توان یک دوره پر آشوب ناشی از سیاست‌های نامناسب دانست. شورش ایل یار احمد زهی و سرکوب آن‌ها، نا آرامی سراسری در بلوچستان پس از این واقعه، دستگیری شماری از سرداران بلوچ و شورش در مناطق تحت نفوذ آن‌ها از حوادث این دوره است. این آشفتنگی‌ها موجب توجه بیشتر



به منظور حفظ آرامش و آگاهی از وضعیت داخلی و شناخت بیشتر منطقه بلوچستان، حاکمان کرمان و بلوچستان احکامی را از مرکز به منظور سفر به بلوچستان دریافت می‌کردند و انجام به موقع این سفرها در نظر شاه و صدر اعظم بسیار مهم محسوب می‌شد

این جمله چنین استنباط می‌شود که فرمانفرما علاوه بر آشنایی بیشتر با اوضاع جغرافیایی بلوچستان، گردآوری اطلاعات کامل و جامع از این منطقه را در جنبه‌های گوناگون مدنظر داشته است. با توجه به آن چه که فرمانفرما به عنوان اهداف این سفر و نگارش سفرنامه مدنظر داشته است، بی‌توجهی و چشم‌پوشی از وضعیت مردم مناطق مسیر سفر و متأثر نشدن از وضعیت رعیت را می‌توان از اشکالات گزارش او در این سفرنامه دانست. فرمانفرما به هنگام شرح گزارش سفر، از درستی کار حکام و رضایت مردم از آن‌ها صحبت به میان آورده و به هر منطقه‌ای که می‌رفته است «تأکیدات لازمه را در وصول و ایصال مالیات و حفظ نظم بلوچستان» صادر کرده است. با توجه به دیگر منابع این دوره، به ویژه سفرنامه‌های پدر و برادر او در می‌یابیم که مردم بلوچستان در این سال‌ها، زندگی سخت ناشی از فشارهای مالیاتی را تحمل می‌کرده‌اند.

فرمانفرما در چند جای این سفرنامه یادآوری کرده است که: «اطلاعات کاملی را از بلوچستان گردآوری کرده که ذکر آنها را در این کتابچه مناسب ندیده است.» اگر در آینده این یادداشت‌ها در جایی یافت شده و به چاپ برسد، مکمل این سفرنامه خواهد بود.

محتویات سفرنامه و اهمیت آن

روزنامه مسافرت فرمانفرما در چهار بخش تنظیم شده است و به دنبال هر یک از این چهار بخش، کتابچه‌ای در مورد توصیف و معرفی مناطقی که در این سفر از آن جا باز دیده کرده، الحاق کرده است.

مطالب کتاب با مقدمه مصحح با عنوان «گزارش» آغاز می‌شود. او در این بخش ابتدا در مورد خاندان فرمانفرما توضیح داده و در ادامه اهمیت این مسافرت نامه را برشمرده است. آقای افشار این سفرنامه را با سفرنامه کرمان و بلوچستان، گزارش سفر فیروز میرزا، مقایسه کرده و آن را در مقایسه با کتاب اخیر، مبسوطتر، مفیدتر و امروزی‌تر دانسته است و عقیده دارد که این کتاب یکی از مراجع اصلی برای مطالعات مربوط به بلوچستان خواهد بود.^{۱۵} مصحح ویژگی‌های این سفرنامه را «افزودن

حکومت مرکزی به اوضاع بلوچستان گردید. به منظور حفظ آرامش و آگاهی از وضعیت داخلی و شناخت بیشتر این منطقه، حاکمان کرمان و بلوچستان احکامی را از مرکز به منظور سفر به بلوچستان دریافت می‌کردند و انجام به موقع این سفرها در نظر شاه و صدر اعظم بسیار مهم محسوب می‌شد. بنا به نوشته عبدالحسین میرزا که پس از برادرش به عنوان حکمران کرمان و بلوچستان انتخاب شده بود، از طرف شاه و صدر اعظم تلگراف‌هایی مبنی بر «مراحم فوق العاده و مبالغه در تعجیل در رفتن بلوچستان رسید و موجب مزید عجله و شتاب و مهیج نایره التهاب گردید»^{۱۱} این دستورات در شرایطی صادر می‌شد که گزارش‌هایی در مورد شیوع بیماری وبا در بلوچستان به کرمان رسیده بود، اما از آن جایی که «انجام خدمت دیوان بر حفظ جان مقدم است»، فرمانفرما تصمیم گرفت که این سفر را انجام دهد و گزارشی از این سفر به یادگار گذاشت که امروزه از ارزشمندترین منابع برای تحقیق در مورد بلوچستان در دوره قاجار است. عبدالحسین میرزا در جای جای کتاب انگیزه خود از نگارش این سفرنامه را خاطر نشان ساخته و چنین نوشته است: «مقصود بالاصاله ذکر جغرافیا و وصف اراضی و قرب و بعد مسافت‌ها و سختی و سستی راه هاست»^{۱۲} و در جاهای دیگر این مقصود بالاصاله را «ذکر منازل عرض راه‌های بلوچستان» و «ذکر تمام محال بلوچستان» و «اطلاع بی‌خبران از این خاک [بلوچستان]» دانسته است و اظهار امیدواری کرده که دیگران «از دیدن این مسافرت نامه بر عرض و طول و آب و هوا و خطوط و حدود و عالی و دانی اهالی بلوچستان علم اجمالی به هم رسانند.»^{۱۳} فرمانفرما به هنگام شرح ورودش به بمپور مطالبی نوشته است که انگیزه وی را از نوشتن این گزارش سفر روشن‌تر می‌سازد. او پس از نوشتن شرحی در مورد شهر بمپور و قلعه آن نوشته است: «به طور اجمال آنچه را که از خارج و داخل وضع محال و کلیه بلوکات بلوچستان و جغرافیای اراضی و شرح حال هر نقطه و تعداد نفوس ساکنان و قاطبه رعایا و ایلات به عرصه تحقیق و تعیین رسیده به رشته تحریر خواهیم آورد تا بر بینندگان این کتاب مطلبی مفهوم و مجهولی معلوم گردد»^{۱۴}. از

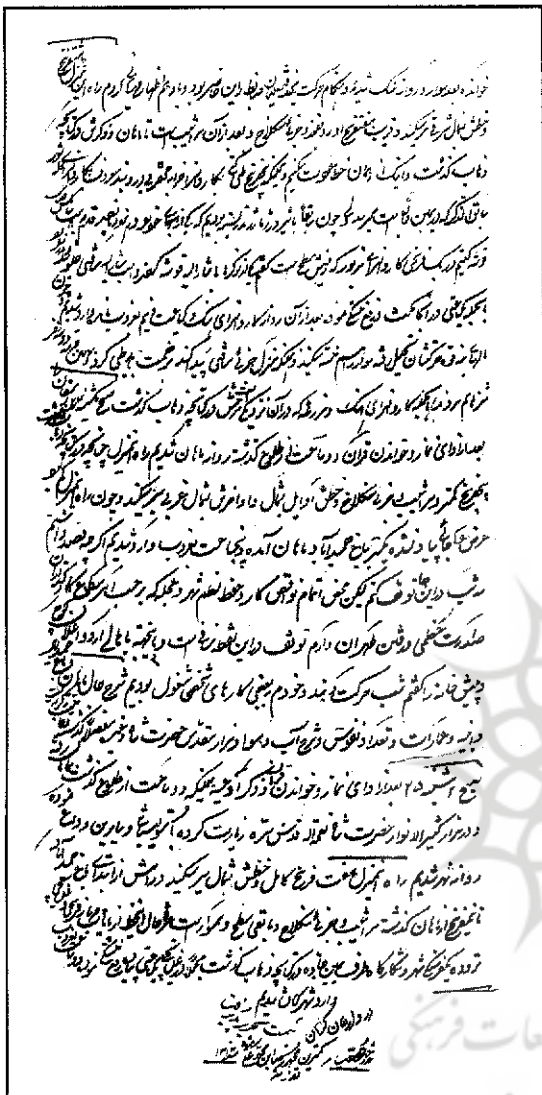
بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب مسافرت نامه ۱۳۱۱ هجری مطابق سنه ۱۹۰۳ میلادی است که بر حسب احوال
اولیای دولت شاهانه با اردوی دولتی برای سرکشی و نظم و ترتیب حدود و گمرکات
و درجهان منقسم است بعد از آنکه از حدود مشرق و مغرب و ملکات غالب مقامات
تکالیف بفرمانده مشرف شخص تصدیق فرموده هر آن بقیل را که مال و اموال کار را
تقریباً در این مکان به باغات و زمین و مرتفع شهر چویش که در اوقات توغف
بشمار شهر اقمیل داده و همراه آن نیز در صد کیلومتر مجرب است تا ملک مشرف
ساعت مشرف را با اردوی نظامی نشان کرده که در زمین مشرف حاضر شده
دوران ساخت خودم با توکرهای شاهی سوار شده میدان آدم و آقا و افراد
دیده کرده در وادان ریاض شده بسیار بهر آن که قسم که تعیین شده
آری مشرف و نفرات اردوی نظامی است و وقوع داد که امروز و فردا با تمام
بینه در مشرف از هر جهت حرمه فریب که این واری باغات یاد که خوانده

استاد ایرج افشار ویژگی‌های سفرنامه فرمانفرما را «افزودن بخش‌های جغرافیایی مبسوط، شرح راه‌ها و منازل، اسامی آبادی‌ها، گذرگاه‌ها، طایفه‌ها، محصولات، سرشماری نفوس خانوارها و نام کدخدایان و کلاتران و ریش سفیدان و مباشران» دانسته است.^{۱۶}

بخش‌های جغرافیایی مبسوط، شرح راه‌ها و منازل، اسامی آبادی‌ها، گذرگاه‌ها، طایفه‌ها، محصولات، سرشماری نفوس خانوارها و نام کدخدایان و کلاتران و ریش سفیدان و ضابطان و مباشران^{۱۶} دانسته است. وی در مورد تألیف این سفرنامه اظهار عقیده کرده که بخش‌هایی از این مسافرت نامه، نوشته شخص عبدالحسین میرزا و قسمت‌های دیگری از آن توسط منشیان و کسانی گردآوری شده است که در نواحی مختلف بلوچستان منصب مباشری و ضابطی داشته‌اند و این امکان را داشته‌اند که به درون طایفه‌ها بروند و اطلاعاتی دقیق گردآوری کنند.^{۱۷} توضیح در مورد نسخه مسافرت نامه، شرح بلوک گردشی حکام، نمونه‌هایی از رفتار عبدالحسین میرزا، همراهی او با سایکس، هدف مؤلف از نگارش گزارش سفر و مشکلات متن از دیگر مسائلی است که مصحح در بخش «گزارش» به آن‌ها پرداخته است. فرمانفرما سفرنامه خود را با این جمله شروع می‌کند: «کتاب مسافرت نامه ۱۳۱۱ هجری مطابق سنه مسعود نیلان ثیل است که بر حسب امر مطاع اولیای دولت قاهره با اردوی دولتی برای سرکشی و نظم و ترتیب حدود گرمسیرات بم و نرماشیر و بلوچستان مصمم است.»^{۱۸} وی گزارش سفر خود را با شرحی از زویسف کرمان شروع کرده و در ادامه اسامی صاحب منصبان و نفرات اردوی نظامی، خوانین و بعضی از همراهان خود را در این اردو، آورده است. پیمودن مسیر میان کرمان و پهره (ایرانشهر کنونی) چهل و پنج روز طول کشیده و وقایع سفر به ترتیب روزانه و قید تاریخ نگارش یافته، رویه‌ای که در بخش‌های دیگر این سفرنامه نیز به کار گرفته شده است. اولین منزل بلوچستان که فرمانفرما بدان وارد شده، ریگان است. فرمانفرما به هنگام رسیدن به بلوچستان، مانند اسلافش از استعداد و آبادانی زمین‌های این منطقه سخن گفته است. در کوچ کردان، در پنج فرسخی بمپور مراسم استقبال از فرمانفرما انجام شده است. او به هنگام شرح استقبال، اسامی و مناصب استقبال کنندگان را ذکر کرده و در این قسمت اطلاعات جالبی در مورد نیروهای نظامی در بلوچستان ارائه کرده و در ادامه درباره اوضاع بلوچستان از ابراهیم خان سرتیپ ناظم این

منطقه سوالاتی نموده است. از نکات جالب توجه گزارش سفر فرمانفرما در بلوچستان، میزان مالیات آن جا است که فرمانفرما به جای ذکر مبلغ مالیات جای آن را خای گذاشته است. این مسئله گویای آن است که در این دوره حداقلی برای مالیات بلوچستان وجود نداشته و ما با توجه به منابع دیگر شاهد هستیم که مالیات این بخش از ایران روز به روز در حال افزایش بوده و فرمانفرما که پیش بینی حداکثری را برای مالیات بلوچستان نداشت، مبلغ مشخصی را ذکر نکرده است.^{۱۹} فرمانفرما پس از ورود به بمپور، توضیحات مفصلی در مورد قلعه آن که تا پیش از انتخاب پهره (ایرانشهر کنونی) و بنای قلعه ناصری در آن، مرکز بلوچستان به شمار می‌آمد، ارائه کرده است. او در این قسمت ویژگی‌های قلعه ناصری و اشکالات قلعه را که همه معایب نظامی است و نشان دهنده تخصص فرمانفرما در این زمینه است، بیان داشته و در مورد این قلعه نوشته است: «مجملاً این قلعه را قلعه نظامی دولتی نمی‌توان گفت که در وقت ضرورت و شورش و جنگ بتوان آنجا را مأمون قرار داد و توپ و تفنگ به کار برد.»^{۲۰} و ریشه این اشکالات را «ایراد بر عباسعلی خان مهندس که از هندسه رسمی ندیده و از بنای جز اسمی نشنیده» دانسته است. بخش دوم این سفرنامه (صص ۱۴۳-۲۶۹) دارای عنوان «جغرافیای بلوچستان» است. بنا به



توضیح مصحح، مطالب این قسمت از کتاب ارتباطی به شرح مسافرت فرمانفرما ندارد، بلکه به دستور او و توسط افرادی که از جانب او مأمور بوده‌اند از طریق مسموعات و پرسش‌های محلی گردآوری و تنظیم شده است. مطالب این بخش از سفرنامه با شرح ویژگی‌های فهرج (پهره) یا ایرانشهر کنونی آغاز می‌شود که به هنگام سفر فرمانفرما، مرکز اداره بلوچستان به شمار می‌رفت. وی در این قسمت در مورد زمین‌های خالصه و اربابی توضیح داده، اسامی کلیه صاحب منصبان بلوچ و ضابطان هر محل و خوانین و ریش سفیدان بلوچستان را ذکر کرده است تا از این طریق «بر بصیرت بینندگان افزوده و مخفی و پوشیده نماند»^{۲۱}. اطلاعات و آگاهی‌های این بخش در نوع خود منحصر به فرد است و در هیچ یک از منابع داخلی دوره قاجاریه که تا کنون انتشار یافته است، چنین اطلاعات تفصیلی و نسبتاً دقیقی در مورد بلوچستان درج نشده است. مطالب بخش دوم سفرنامه جهت شناخت ساکنان هر محل، عدد نفوس، انواع و میزان محصولات، راه‌ها و مسیرهای عمده، شناخت فواصل، وضعیت راه‌ها، حیات جانوری و پوشش گیاهی و شناخت وضعیت دفاعی بلوچستان دارای اهمیت زیادی است. ذکر میزان علوفه و نوع آن و مشخص کردن مسیرهایی که قابلیت عبور توپ را دارد، از نگاه و بینش نظامی مؤلف حکایت می‌کند. هر چند وی در این بخش گزارشی از اوضاع جغرافیایی مناطق جنوبی و ساحلی بلوچستان نیاورده است، اما اطلاعات ارایه شده در این بخش از نظر مکانی نسبتاً گسترده است. فرمانفرما در این بخش از سفرنامه از این که «در بیان آب و هوا و تعیین اراضی و تعداد نفوس، وصف ایلات و مزارعات و تحدید تمام خاک بلوچستان و اهالی آنجا قصور و فتوری ظاهر شده است»^{۲۲}، معذوریت خویش را اظهار داشته و به رغم توضیحات نسبتاً مفصلی که در مورد شهرها و روستاهای مختلف بلوچستان داده است، آن را ناکافی دانسته و وعده داده است: «چه اگر دو سال دیگر زنده و مأمور کرمان (شوم) و یک مرتبه دیگر روانه سمت بلوچستان شوم ان شاءالله طوری در اتمام کسور و اكمال نواقص آن اهتمام شود که این رساله به مسافرت‌نامه‌ای کامل (تبدیل شود)»^{۲۳} نویسنده سفرنامه هم چنین ضمن توصیف اوضاع جغرافیایی بلوچستان، توضیحاتی در مورد تحدید حدود بلوچستان و حکومت خاندان اسعدالدوله و شیوه حکمرانی آن‌ها ارائه داده است^{۲۴} که از مطالب قابل توجه این بخش است. فرمانفرما پس از توصیف اوضاع جغرافیایی مناطق مختلف بلوچستان، به شرح ادامه مسافرت خود در این ناحیه پرداخته و یادآوری کرده آن چه را که در مسیر مسافرت خود می‌بیند «بی رايحه خلاف و بدون شایبه اعراق»^{۲۵} خواهد نوشت و «بر خلاف پارهای از روزنامه نگارها که برای میل و رغبت بینندگان به بعضی روایات تازه، چهره سخن را آغاز نموده و حکایات دروغ را موجب فروغ

می‌دانند»^{۲۶}، وی به این شیوه عمل نمی‌کند و آن چه را خواهد نوشت «بیان واقع و صدق محض است»^{۲۷}. ادامه این سفرنامه به گزارش وقایع بازگشت فرمانفرما از بمپور به طرف رودبار و بشاگرد اختصاص یافته است. شیوه توصیف این قسمت نیز همان رویه‌ای است که در بخش اول و دوم گزارش سفر به کار گرفته شده است. فرمانفرما پس از وارد شدن به نواحی رودبار و بشاگرد، توضیحاتی در مورد جغرافیای این مناطق آورده که مصحح محترم عنوان «کتابچه جغرافیای رودبار و بشاگرد» را به این قسمت داده است. مؤلف در این بخش از ضابطین، سررشته داران، مباشرین و کدخدایان این منطقه نام برده است. هم چنین به طوایف، تعداد خانوارها، مزارع سر راه و مالکان این نواحی اشاره کرده است. مطالب این بخش از سفرنامه برای تدوین تاریخ این مناطق در دوره قاجار و آگاهی از حدود قلمروی ایالت کرمان و بلوچستان بسیار ارزشمند است. فرمانفرما گزارش خود را از بیژن آباد پی گرفته است و

عبدالحمید میرزا ناصر الدوله فرزند فیروز میرزا گزارش یکی از سفرهای خود به بلوچستان را به ناصرالدین شاه تقدیم کرده است که به همت محمد رسول دریا گشت به چاپ رسیده و مصحح، عنوان از ماهان تا چابهار را بر آن گذاشته است. سرانجام این که مسافرت نامه کرمان و بلوچستان عنوانی است که مصحح محترم سفرنامه عبدالحسین میرزا برای یادگار سفر او انتخاب کرده است.

۷- وزیر کرمانی، احمد علی خان، همان، ص ۸۲۲
 ۸- نامه عبدالحسین میرزا به زین العابدین خان حاکم بلوچستان درباره اطمینان از عدم رسیدگی به شکایات بلوچ‌ها، به نقل از بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری، عبدالرضا سالار بهزادی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲، ص ۲۵۴.

۹- روزنامه جبل المتین، اول ربیع الثانی ۱۳۲۴ برابر با ۲۵ مه ۱۹۰۶.

۱۰- این رساله‌ها عبارتند از سیاحت نامه بلوچستان اثر میرزا مهدی خان سرتیپ قابینی، کتابچه تحدید حدود بلوچستان که در واقع قرار داد تعیین مرزهای بلوچستان از خلیج گواتر تا جالق است. رساله دیگری که عنوان جغرافیا و تاریخ بلوچستان برای آن انتخاب شده است در کتابخانه کامبوزیا در زاهدان نگهداری می‌شود و بالاخره رساله چهارم عنوان جغرافیای بلوچستان دارد و توسط فردی به نام مهدی که گویا از ماموران دولتی بوده، نگارش یافته است.

۱۱- عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان، ص ۱۸.

۱۲- همان، ص ۲۲.

۱۳- همان، ص ۲۷۱-۱۴ همان، ص ۱۲۷.

۱۵- همان، مقدمه مصحح، ص ۶.

۱۶- همان جا. ۱۷- همان، ص ۷.

۱۸- همان، ص ۱۷.

۱۹- برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به، عبدالرضا سالار

بهزادی، پیشین، سند افزایش مالیات بلوچستان سند شماره ۸۳،

ص ۲۸۰.

۲۰- عبدالحسین میرزا فرمانفرما، همان، ص ۱۴۱.

۲۱- همان، ص ۱۴۴.

۲۲- همان، ص ۲۳۵.

۲۳- همان جا.

۲۴- همان، ص ۲۵۸ تا ۲۶۰.

۲۵- همان، ص ۲۷۰.

۲۶- همان جا.

۲۷- همان جا.

۲۸- همان، ص ۲۴۳.

پس از رسیدن به جبال بارز و جیرفت، بخشی از مسافرت نامه را به جغرافیای این مناطق اختصاص داده است. آخرین بخش از یادداشت‌های فرمانفرما، دنباله مسافرت نامه او از جیرفت تا بازگشت به کرمان است. فرمانفرما در آخرین بخش از سفر خویش، هنگامی که به سغد از توابع جیرفت می‌رسد، تلگراف صدر اعظم را مبنی بر احضار خود به تهران دریافت می‌کند.^{۲۸} گویا این احضار برای او غیر منتظر بوده، به همین دلیل در بخشی از سفرنامه نوشته است «به هر صورت فردا را باید به ملاحظاتی مسئله احضار خودم را به تهران کشف کنم.» فرمانفرما سفری را که در روز دوشنبه پانزدهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ آغاز کرده بود، دوشنبه بیست و پنجم رمضان همان سال پایان داد و در حالی که کرمان بازگشت که حکم عزل خود را از والیگری کرمان و بلوچستان دریافت داشته بود.

مصحح دانشمند مسافرت نامه در بخش پایانی کتاب، نمونه‌هایی از صفحات نسخه خطی سفرنامه را چاپ کرده و چند نمونه عکس را که در میان صفحات نسخه خطی آن الصاق شده بوده را نیز گنجانده است. در ادامه نیز فهرستی از مأخذ دست اول نوشته‌های ایرانی را که در پژوهش‌های تاریخی برای ناحیه بلوچستان به کار می‌آید، بر اساس تاریخ تألیف این منابع آورده است. هم چنین مشخصات کتاب‌هایی که در چهل سال اخیر درباره بلوچستان نشر یافته را نیز ذکر کرده است. اعلام کتاب در پنج قسمت با عنوان نام‌های اشخاص، مکان‌ها، طایفه‌ها و نسبت‌ها، اصطلاحات و مدنیات و گیاهان و درختان بومی و بیابانی ارایه شده است. فهرست مندرجات آخرین بخش کتاب را تشکیل داده است.

پی نوشت‌ها:

۱- دستور محمد شاه برای گشودن کیج و مکران و سیستان به آقاخان حاکم کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ۲۹۵، حلقه شماره ۶، پرونده ۵۸۰.

۲- واتسون، رابرت گرانت، تاریخ ایران در دوره قاجاریه، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۸، ص ۱۲۲.

۳- نگارنده این مقاله شماری از سفرنامه‌های مربوط به بلوچستان را در ویژه نامه سفرنامه‌ها، شماره ۷۷-۷۸ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا معرفی کرده است.

۴- عبدالحسین میرزا فرمانفرما، مسافرت نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳، قسمت مقدمه، ص ۶.

۵- وزیر کرمانی، احمد علی خان، تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، ج دوم، چ چهارم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵، ص ۸۲۱.

۶- سفرنامه کرمان و بلوچستان عنوان گزارش سفر فیروز میرزا فرمانفرما است که تا کنون دوبار به چاپ رسیده است.